

الحاقات و اصلاحات کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت در چاپ چهارم (نسبت به چاپ دوم و سوم)

۱- ص ۲۰ (پس از پاراگراف اول از گفتار دوم):

قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار:

اصل آزادی اشتغال اگرچه در قانون اساسی تصریح شده است ولی در عمل با ازدیاد مجوزهای مورد مطالبه دستگاه‌های اجرایی کشور دچار آسیب جدی شد. به همین خاطر قانون گذار به موجب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ و ابلاغی ۱۴۰۱/۲/۶ مجوزهای کسب و کار در ایران را به دو دسته «ثبت محور» و «تأیید محور» تقسیم کرد. کسب و کار با مجوز «ثبت محور»، کسب و کاری است که شروع به آن نیاز به تأیید هیچ مرجعی ندارد و متقاضی اشتغال به چنین کسب و کاری صرفاً در درگاه ملی مجوزهای کشور^۱ ثبت نام کرده و اتمام مراحل ثبت نام در این درگاه به منزله صدور مجوز کسب و کار است. به دیگر بیان در این نوع مجوز، صرفاً شاغل باید شغل خود را اعلام کند.

اما کسب و کار با مجوز «تأیید محور» به معنای کسب و کاری است که شروع اشتغال به آن منوط به بررسی و تأیید مراجع خاصی است و بدون تأیید آن مراجع امکان اشتغال مجاز به آن کسب و کار وجود ندارد.

ماده ۷ مکرر ق.ا.س.ا. ۴۴ بیانگر این است که اصل بر ثبت محور بودن مجوزها است مگر در مورد کسب و کارهایی که سلامت، محیط زیست، بهداشت عمومی- اجتماعی، نظم و انضباط پولی، مالی و ارزی، فرهنگ و امنیت ملی را به صورت مستقیم تهدید می‌کنند یا مستلزم بهره برداری از منابع طبیعی یا تغییر کاربری اراضی کشاورزی است. البته این کسب و کارها نیز توسط هیأت مقررات زدایی و با تأیید هیأت وزیران تعیین می‌شود.^۲

۲- ص ۲۲ پس از ۹-۲:

بحث: رابطه مجوزهای قانونی خاص و قانون تسهیل مجوزهای کسب و کار

پیش از این بیان شد که به موجب قانون تسهیل مجوزهای کسب و کار (ماده ۷ مکرر ق.ا.س.ا. ۴۴) اصل بر ثبت محور بودن مجوزهای کسب و کار است. از سویی مواردی بیان شد که به موجب قوانین و مقررات خاص، برای شروع یک کسب و کار باید از مراجع حاکمیتی مجوز کسب دریافت کرد (که چنین مجوزهایی تأیید محور است). اینک جای پرسش است که رابطه این قوانین خاص و ماده ۷ مکرر ق.ا.س.ا. ۴۴ چیست؟

به نظر می‌رسد اساساً قوانین خاص سابق و ماده ۷ مکرر ق.ا.س.ا. ۴۴، تعارضی با یکدیگر ندارند و بر اساس قاعده لزوم جمع احکام قانونی^۳، مجوزهای قانونی صرفاً به شیوه مندرج در ماده ۷ مکرر ق.ا.س.ا. ۴۴ صادر می‌شود. به عبارت دیگر مجوزهای مندرج در قوانین پابرجا است ولی به شیوه مندرج در ماده فوق صادر می‌شود.

مثلاً به موجب ماده ۱۵ قانون هواپیمایی کشور، مجوز دائر کردن دفاتر خدمات هوایی توسط سازمان هواپیمایی کشوری صادر می‌گردد ولی بر اساس ماده ۷ مکرر ق.ا.س.ا. ۴۴ این مجوز «ثبت محور» بوده و صرف ثبت در سامانه‌های مربوطه، سازمان هواپیمایی کشوری موظف به ارائه مجوز می‌باشد. بنابر این همچنان مرجع صدور مجوز همان نهادی است که در قانون خاص سابق مشخص شده، ولی شیوه صدور را قانون جدید تعیین کرده است.

^۱ به نشانی: mojavez.ir

^۲ برای مطالعه متن کامل ماده ۷ مکرر ر.ک. بخش پنجم، قانون اجرای سیاستهای اصل ۴۴

^۳ الجمع مهما امکن اولی من الطرح

۳- کسبه جزء:

۴- کسبه جزء کیست؟ مطابق ماده ۱۹ ق.ت.، تشخیص کسبه جزء مطابق آیین نامه رییس قوه قضاییه خواهد بود. آخرین نظامنامه در این خصوص، در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۳ توسط رییس قوه قضاییه صادر شده و بر اساس آن ملاک کسبه جزء عبارت است از: الف) کسانی که کار تولید و فروش دارند: کسبه، پیشه وران، تولیدکنندگان و نمایرانها که فروش سالیانه آنان از چهار میلیارد ریال تجاوز نکند.

ب) کسانی که خدمات ارائه می دهند: ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه ای که عایدی غیر خالص آنها در سال متجاوز از دو میلیارد ریال نباشد.

۵- ص ۴۳ انتهای بند الف:

قاعده فوق یعنی امکان استناد به دفاتر تاجر علیه او به شرط عدم تفکیک در مورد همه دفاتر تاجر ولو آنکه تشریفات تنظیم آن دفتر رعایت نشده باشد، حکم فرما است.

۶- ص ۶۲ پیش از قسمت ب:

بحث: تأثیر بطلان بخشی از قرارداد بر اجرت دلال

در صورتی که بعد از انعقاد قرارداد روشن شود که قرارداد نسبت به بخشی از موضوع معتبر نبوده است، مثلاً پس از وقوع بیع یک واحد آپارتمان روشن شود که نیمی از آن متعلق به فروشنده نبوده، چه تأثیری بر اجرت دلال دارد؟

در این مورد باید بین دو حالت تفکیک قائل شد: چنانچه اجرت دلال بر اساس ارزش معامله تعیین شده باشد، مانند اجرت مشاورین املاک که بر اساس و به نسبت مبلغ قرارداد تعیین می شود، اجرت دلال به نسبت قسمت باطل شده قرارداد کسر می شود. اما در صورتی که اجرت دلال ثابت و فارغ از میزان ارزش قرارداد تعیین شده باشد، ثابت می باشد چرا که اصل قرارداد واقع شده است.

۷- ص ۶۵ پس از بحث ۱:

بحث ۲- پیش از این بیان شد که با فوت یا حجر آمر، قرارداد حق العمل کاری منفسخ می گردد. حال این سوال مطرح می شود که اگر در زمان حیات آمر قراردادی منعقد شود ولی پیش از اجرای قرارداد، آمر فوت شود، آیا حق العمل کار مسئول اجرای تعهدات است؟

بله در این فرض حق العمل کار مسئول اجرای تعهدات آن قرارداد در برابر طرف قرارداد است؛ چرا که این مسئولیت مبنای قانونی (اصل اعتماد به ظاهر) دارد و صرفاً ناشی از اذن آمر نیست.

۸- ص ۶۹ پیش از بند دوم

بحث: در ماده ۳۷۰ ق.ت. برای خیانت و نادرستی حق العمل کار دو ضمانت اجرا در نظر گرفته شده است: زوال اجرت و حق تعیین او به عنوان خریدار یا فروشنده. حال این پرسش مطرح می شود که آیا علاوه بر این دو ضمانت اجرا، آمر می تواند خسارتی از حق العمل کار دریافت کند؟

به نظر می‌رسد نگارش متن ماده ۳۷۰ ق.ت. با دقت کافی صورت نگرفته است و قانونگذار باید بین حالات مختلف خیانت و نادرستی تفکیک قائل می‌شد. با این حال با توجه به ظاهر ماده فوق، در صورتی که حق‌العمل کار کالا را به قیمتی فروخته و مبلغ کمتر به آمر اعلام کند یا کالایی را خریده و قیمت بیشتری اعلام کرده باشد، آمر حق دریافت یا پرداخت مبلغ واقعی را دارد و اجرت حق‌العمل کار نیز زائل می‌گردد و به علاوه می‌تواند خود حق‌العمل کار را طرف قرارداد تلقی کند. در چنین مواردی دریافت خسارت دیگری از حق‌العمل کار منتفی بوده و شیوه جبران توسط قانونگذار مشخص شده است.

اما در سایر موارد خیانت و نادرستی مثل خرید کالای معیوب برای آمر، بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، آمر حق جبران خسارت دارد.

۹- ص ۸۷ پیش از بند سوم

نکته ۲- قائم مقام تجاری نسبت به اموال تاجری که به او نیابت داده، اصولاً امانی است و اصل بر عدم مسئولیت او است مگر این که تقصیر نموده باشد.

۱۰- ص ۱۲۶، بند دوم به شرح زیر اصلاح شد:

بند دوم: شرکت خارجی

همچنانکه پیش از این بیان شد مطابق ماده ۱ ق.ت.ش. هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب می‌شود، بنابر این هر شرکتی که در ایران تشکیل و ثبت نشده باشد، شرکت خارجی محسوب می‌شود. به طور مثال اگر شرکتی در ترکیه ثبت شده باشد، حتی اگر سهامداران یا شرکای آن ایرانی باشند، شرکت خارجی محسوب می‌شود و اگر شرکتی در ایران ثبت و اداره شود، شرکت ایرانی است ولو آن که سهامداران یا شرکای آن تماماً اتباع بیگانه باشند.

نکته ۱- ثبت شرکت خارجی در ایران:

با توجه به مطلب فوق، ثبت خود شرکت خارجی در ایران منتفی است ولی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی در ایران مطابق ماده واحده قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶/۸/۲۱ صورت می‌پذیرد: «شرکت‌های خارجی که (۱) در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، (۲) مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند (۳) در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند».

نکته ۲- مالکیت سهم یا سهم الشرکه در شرکت ایرانی توسط اتباع بیگانه:

مطابق اصل ۸۱ قانون اساسی دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. ممکن است از ظاهر این اصل برداشت شود که مالکیت اتباع بیگانه بر سهام یا سهم الشرکه شرکت ایرانی ممنوع می‌باشد. ولی این تصور کاملاً اشتباه بوده و اتباع بیگانه اصولاً می‌توانند مالک سهام یا سهم الشرکه شرکت ایرانی ولو تا صد در صد سهم آن شرکت شوند. چرا که «دادن امتیاز تشکیل شرکت» به معنی سهامداری نیست بلکه منظور امتیازهای خاصی است که موجب حقوق ویژه و انحصاری برای سرمایه گذار خارجی می‌شود. (مستنبط از ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی).^۴

^۴. مشابه امتیازهای تجاری ویژه‌ای که در دوره قاجار برای تجارت تنباکو به شرکت خارجی اعطا شد.

بنابر این ثبت شرکت، پذیره نویسی سهام شرکت ایرانی و یا خرید سهام شرکت ایرانی توسط غیر ایرانی‌ها اصولاً مجاز است. البته این امر استثناهایی دارد:

۱- غیر ایرانی نمی‌تواند عضو شرکت تعاونی ایرانی شود. به عبارت دیگر اتباع بیگانه امکان مالکیت سهم و سهم‌الشرکه در کلیه شرکت‌های ایرانی به جز تعاونی را دارند.

۲- اتباع بیگانه نمی‌توانند مالک بیش از ۴۰٪ سهام بانک ایرانی شوند چرا که بانک‌ها نبض پولی کشور را در اختیار دارند.

۳- در موضوعات تجاری که انجام آن توسط اتباع بیگانه ممنوع است (و در درس اول از فصل اول بیان شد)، اتباع بیگانه نمی‌توانند با تشکیل شرکت به انجام آن امور بپردازند.

نکته ۳- مدیریت و بازرسی اتباع بیگانه در شرکت ایرانی اصولاً مجاز است. تنها در شرکت تعاونی امکان مدیریت اتباع بیگانه وجود ندارد؛ چرا که (طبق ماده ۳۶ ق.ب.ت.) مدیران باید از بین اعضا انتخاب شوند و اعضای تعاونی (طبق ماده ۹ ق.ب.ت.) باید ایرانی باشند.

۱۱- **ص ۱۲۸ مطلب زیر اضافه شود:**

(۱۱) ملاک تابعیت گروه اقتصادی محل ثبت آن است. بنابر این اگر اعضای گروه، خارجی باشند ولی گروه در ایران ثبت شود، آن گروه ایرانی محسوب می‌شود.

۱۲- **نکته ۲ ص ۱۳۵ حذف گردید.**

۱۳- **ص ۱۴۸ به اوصاف شرکت تعاونی اضافه شود:**

شرکت تعاونی یکی از اقسام شرکت‌های تجاری است و حتی بر فرض اشتغال به امور غیر تجاری (مانند تعاونی مسکن)، شرکت تجاری محسوب می‌شود.^۵

۱۴- **ص ۱۵۸ در قسمت الف مثالی برای صلاحیت عام مجمع:** به طور مثال تصمیم به عضویت شرکت در یک سندیکا اصولاً در صلاحیت مجمع عمومی عادی است؛ مگر این که سهامداران قصد داشته باشند این تصمیم را در اساسنامه قید کنند که در این صورت باید مجمع عمومی فوق العاده مصوب کند.

۱۵- **نکته ۱ ص ۱۷۱ به شرح زیر اصلاح شد:**

نکته ۱- مهلت ثبت صورتجلسه مجمع: قانون تجارت به طور کلی مهلتی برای ثبت صورتجلسه مجمع عمومی تعیین نکرده است، مگر در مورد ثبت تصمیم مجمع عمومی فوق العاده در خصوص (۱) کاهش اختیاری سرمایه و (۲) انحلال شرکت. مطابق ماده ۱۹۲ ل.ا.ق.ت. «هیأت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش، حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد، آگهی کند». همچنین طبق ماده ۲۰۹ ل.ا.ق.ت. «تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آن‌ها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود...».

۱۶- **متن زیر در انتهای قسمت ۳ از بند نهم ص ۱۹۰ اضافه شود:**

^۵. در تأیید این نظر ر.ک. نظریه شماره ۱۴۰۰/۷/۱۲۷۶ مورخ ۱۴۰۱/۲/۱۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه.

نکته ۳- مدیر عامل در طول دوره مدیرعاملی حق استعفا دارد و استعفای مدیر عامل بدون آن که نیاز به قبول توسط هیأت مدیره داشته باشد، معتبر است. البته به نظر می‌رسد هنگام نصب مدیرعامل بتوان به صورت توافقی استعفای مدیرعامل را منوط به پذیرش توسط هیأت مدیره نمود.

۱۷- ص ۱۹۱ قبل از بند دهم اضافه شود:

بحث: دارنده امضای مجاز شرکت کیست؟

در موادی از ل.ا.ق.ت. از جمله مواد ۵۸، ۱۷۴ و ۲۴۸ از عبارت «دارندگان امضای مجاز» شرکت استفاده شده است. در رویه عملی هم هنگام تعیین سمت مدیران و مدیر عامل شرکت، دارندگان امضای مجاز شرکت تعیین می‌شود. مثلاً بیان می‌گردد که «کلیه قراردادهای و اسناد تعهدآور شرکت با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است». در رویه موجود معمولاً مدیرعامل به تنهایی یا همراه با یکی از اعضای هیأت مدیره یا چند نفر از اعضای هیأت مدیره به عنوان دارنده امضای مجاز شرکت تعیین می‌شوند ولی از ظاهر قانون، خصوصاً ماده ۲۵ ل.ا.ق.ت. و رویه موجود برداشت می‌شود که دارنده امضای مجاز مفهومی مستقل از مدیران و مدیر عامل شرکت است و هر شخصی است که توسط اساسنامه یا مجمع عمومی یا هیأت مدیره برای امضای بعضی اسناد شرکت تعیین می‌شود. مثلاً در بعضی شرکت‌ها، مجمع عمومی شرکت مصوب می‌کند که چک‌های تا سقف مبلغ مشخصی توسط معاون مالی شرکت امضا شود. همچنین دارندگان امضای مجاز شرکت قابل تفکیک هستند. مثلاً می‌توان برای امضای قراردادهای با ارزش بیش از ده میلیارد ریال، دارنده امضای مجاز را همه اعضای هیأت مدیره تعیین کرد و برای قراردادهای کمتر از ده میلیارد ریال، مدیر عامل به تنهایی و برای نامه‌های اداری معاونین و کارمندان درون شرکت را به عنوان دارنده امضای مجاز تعیین کرد.

۱۸- صفحه ۲۲۷ - ضمانت اجرای عدم مطالبه مبلغ تعهد شده به این شرح تغییر کند:

(ت) ضمانت اجرای عدم مطالبه مبلغ تعهد شده: مطالبه نکردن مبلغ تعهد شده اصولاً موجب کاهش سرمایه اجباری شرکت است. علاوه بر این ضمانت اجرای کیفری نیز دارد:

(۱) مطابق ماده ۳۳ ل.ا.ق.ت. «مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه (کاهش سرمایه) شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد وگرنه هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند».

(۲) در صورتی رییس و اعضای هیأت مدیره ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت ننمایند، به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از سی میلیون تا شصت میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

نکته: مطابق تبصره ماده ۳۳ ل.ا.ق.ت. مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام باید از کلیه سهامداران بدون تبعیض به عمل آید. این بدان معنا است که هیأت مدیره مکلف است از همه سهامداران تقاضای پرداخت مبلغ تعهد شده سهام را بنماید و اگر صرفاً از بعضی سهامداران مطالبه کرد، تکلیف خود را اجرا نکرده و مشمول ضمانت اجرای فوق است.

۱۹- ص ۲۲۸، بند چهارم به شرح زیر تغییر کرد:

بند چهارم: نقل و انتقال سهام

سهام برای صاحب سهم حق عینی ایجاد می‌کند. لذا سهامدار اصولاً می‌تواند هر یک از عقود تملیکی را نسبت به آن واقع سازد. به همین خاطر ماده ۴۱ ل.ا.ق.ت. از واژه نقل و انتقال استفاده کرده است. با این وصف نقل و انتقال در شرکت‌های سهامی عام، سهامی خاص و شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس احکام خاصی دارد:

الف) انتقال سهام در شرکت سهامی عام: در شرکت سهامی عام به هیچ وجه نمی‌توان نقل و انتقال سهام را محدود کرد. (آزادی نقل و انتقال) و هیأت مدیره یا مجامع و یا حتی اساسنامه شرکت نمی‌تواند آن را مشروط به موافقت مدیران یا مجمع نماید. (ماده ۴۱ ل.ا.ق.ت.)

ب) انتقال سهام در شرکت سهامی خاص: از مفهوم مخالف ماده ۴۱ ل.ا.ق.ت. برداشت می‌شود که در شرکت سهامی خاص می‌توان نقل و انتقال سهام را مشروط و مقید به موافقت مدیران یا مجامع نمود.

نکته ۱- در شرکت سهامی خاص نیز در دو مورد نمی‌توان نقل و انتقال را محدود کرد: ۱) نقل و انتقال سهام بی‌نام چون با قبض و اقباض منتقل می‌شود و ۲) انتقال قهری به موجب فوت یا حکم قضایی (انتقال قضایی).

نکته ۲- نقل و انتقال سهام بی‌نام، با قبض و اقباض صورت می‌گیرد و نقل و انتقال سهام با نام، مستلزم ثبت در دفتر ثبت سهام. (هر چند بدون انجام این امور هم انتقال بین طرفین معتبر است ولی از نظر شرکت و اشخاص ثالث غیر قابل استناد می‌باشد).

نکته ۳- برای انتقال سهام بانام، صرفاً امضای انتقال دهنده در دفتر ثبت سهام کافی است. البته اگر مبلغ اسمی سهام به طور کامل پرداخت نشده باشد، باید نشانی انتقال گیرنده نیز قید و به امضای انتقال گیرنده برسد. (ماده ۴۰ ل.ا.ق.ت.)

نکته ۴- نقل و انتقال گواهینامه موقت سهام تابع قواعد انتقال سهام است.

پ) انتقال سهام در شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس: نقل و انتقال سهام در بورس هم مستلزم تأیید ناظر بازار و هم ثبت نزد شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار می‌باشد و بر خلاف سایر شرکت‌های سهامی، انتقال سهام بورسی عقد تشریفاتی است.

نکته: ثبت نقل و انتقال سهام شرکت‌های بورسی توسط شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار (موضوع بند ۷ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار) انجام می‌شود و ثبت نزد این شرکت، جایگزین دفتر ثبت سهام شرکت است.

بحث: ثبت نقل و انتقال سهام نزد اداره ثبت شرکت‌ها

آیا علاوه بر ثبت نقل و انتقال سهام در دفتر ثبت سهام شرکت، باید این موضوع به اداره ثبت شرکت‌ها نیز اعلام شود؟

ماده ۲۰۰ ق.ت. در حکمی کلی که ناظر به همه شرکت‌ها است بیان داشته است که ثبت «تبدیل شرکا یا خروج بعضی از آن‌ها از شرکت» بر اساس ماده ۱۹۵ ق.ت. الزامی است. البته ضمانت اجرای عدم ثبت نقل و انتقال سهام این است که آن نقل و انتقال در برابر شرکت و اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

۲۰- ص ۲۵۶ قبل از بند دوم اضافه شود:

نکته مهم: رفع موجبات انحلال

در بین موارد انحلال قضایی، سه مورد ترک فعل است و برای ترک فعل مدت تعیین شده تعیین شده است. این موارد عبارت است از: عدم فعالیت یا راکد ماندن شرکت (یک سال)، عدم تشکیل مجمع عمومی عادی جهت رسیدگی به حساب‌های سالیانه (ده ماه از مهلت تشکیل) و بلامتصدی ماندن سمت مدیران و مدیر عامل (بیش از شش ماه).

در خصوص این سه جهت انحلال، ماده ۲۰۲ ل.ا.ق.ت. مهلتی برای رفع موجبات انحلال هم در نظر گرفته است و بیان می‌دارد: «در مورد بندهای یک و دو و سه ماده ۲۰۱ (یعنی مواردی که بیان شد) دادگاه بلافاصله برحسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از شش ماه تجاوز نکند می‌دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد». در مورد سایر موجبات انحلال (چه قضایی و چه قهری یا ارادی) امکان رفع موجبات انحلال و بازگشت به دوران عادی وجود ندارد.

۲۱- ص ۲۵۷ اضافه شود:

نکته ۳- با انحلال شرکت -ولو به صورت ارادی- تعقیب جزایی شرکت متوقف می‌شود چرا که شخصیت حقوقی شرکت صرفاً جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند.^۶

۲۲- ص ۲۶۵ در انتهای صفحه اضافه شود:

« بحث: در صورتی که پس از آگهی ختم تصفیه، طلبکاری ادعای طلب کند، طلب خود را از چه کسی باید مطالبه کند؟ با توجه به این که با انتشار آگهی ختم تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت زائل شده است، طرح دعوا به طرفیت شرکت ممکن نیست. از طرفی با توجه به مسئولیت محدود سهامداران و اصل استقلال شخصیت حقوقی سهامداران از شرکت، مطالبه وجوه از سهامداران نیز امکان ندارد. بنابر این طلبکار باید یکی از این روش‌ها را پیش بگیرد:

(۱) اگر تشریفات تصفیه به درستی رعایت نشده باشد، ابتدا دعوای ابطال آگهی ختم تصفیه اقامه کند و در صورت ابطال آگهی مزبور، برای دریافت مطالبات خود به مدیر تصفیه رجوع کند.

(۲) اگر تشریفات تصفیه به درستی رعایت شده باشد، صرفاً از باب دارا شدن بلاجهت می‌توان برای استرداد وجوه به طرفیت سهامداران دعوای مسئولیت مدنی اقامه کند. »

۲۳- بند زیر به انتهای ص ۲۷۷ اضافه شود:

بند دوم: اقسام ادغام

علاوه بر ادغام ساده و مرکب که پیش از این تعریف شد، ماده ۱ آیین نامه تشویق به مشارکت موضوع ماده ۱۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی چند نوع ادغام دیگر را نیز تعریف کرده که عبارت است از:

^۶. نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری شماره ۱۷۳/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۷؛ در ادامه این نظریه بیان شده است که: «همچنین از مفهوم ماده ۶۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر قابل تعقیب بودن شرکت در صورت انحلال ارادی آن نیز علی‌الاصول نمی‌توان به عنوان مجوزی برای تعقیب شرکت استفاده کرد؛ زیرا ماده ۶۹۲ یادشده باید با توجه به بند «ب» ماده ۶۹۰ همین قانون تفسیر شود. بدین معنی که چنانچه مقام تعقیب برابر بند «ب» ماده ۶۹۰ یادشده، قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی را صادر کرده باشد و شرکت به رغم قرار فوق به صورت ارادی منحل شود، اثری بر این انحلال مترتب نیست، در نتیجه شرکت قابل تعقیب است. لذا در حالت دوم که پس از انحلال ارادی، شرکت در حال تصفیه است، نیز قابل تعقیب نیست؛ مگر اینکه مقام قضایی قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شرکت را صادر کرده باشد.»

الف - ادغام افقی: فرآیندی که در آن، شرکت‌های رقیب ارایه‌دهنده یک محصول یا خدمت مشابه با هدف کاهش هزینه‌ها و رسیدن به صرفه‌های حاصل از مقیاس، ترکیب می‌شوند.

ب - ادغام عمودی: فرآیندی که در آن، یک شرکت با هدف مدیریت بهتر و نظارت بیشتر زنجیره ارزش، شرکت‌های با سطوح مختلف تأمین، تولید، توزیع و پخش محصولات خود را تحت تملک در می‌آورد.

پ - ادغام متجانس: ادغام شرکت‌هایی که به مشتریان یکسان در یک صنعت خاص، محصولات و خدمات چندمنظوره و متفاوت و گاه نیز مکمل ارایه می‌نمایند. این نوع ادغام معمولاً به تسهیل امور مشتریان می‌انجامد.

ت - ادغام نامتجانس: این نوع ادغام با ترکیب شرکت‌های غیرمرتبط به منظور ایجاد تنوع در محصولات و کاهش احتمال شکست، شکل می‌گیرد.

۲۴- متن زیر به ص ۲۹۵ اضافه شود:

بند پنجم: اصل اعتماد به ظاهر سند تجاری

این اصل بیانگر این است که اصولاً امضای روی سند تجاری باعث تعهد امضا کننده است چرا که اشخاص با اعتماد به ظاهر سند تجاری آن را مورد پذیرش قرار می‌دهند. مبنای این اصل، حمایت از دارنده با حسن نیت سند است. بر اساس این قاعده، اصول دیگری همچون اصل استقلال امضاها استنتاج شده است.

همچنین بر اساس اصل اعتماد به ظاهر سند گفته می‌شود که اگر شخصی به نمایندگی از دیگری سند تجاری را امضا کند، شخصاً نسبت به تأدیه آن سند مسئول است. مثلاً شخصی به عنوان مدیرعامل شرکتی، چک متعلق به آن شرکت را امضا می‌کند ولی مشخص می‌شود که اساساً در آن تاریخ سمت نداشته است؛ در این صورت، اگرچه شرکت به دلیل ایراد عدم سمت (که پیش از این بیان شد)، مسئول پرداخت وجه چک نیست ولی امضا کننده به دلیل اعتمادی که برای دارنده با حسن نیت ایجاد کرده، مسئول است.^۷

۲۵- متن زیر در انتهای شماره ۸ ص ۳۰۵ اضافه شود:

بحث: اگر نام دارنده به صورت مبهم نوشته شود به نحوی که به هیچ وجه مشخص نباشد دارنده کیست، آیا برات معتبر است؟

در خصوص این سوال باید بین دو وضعیت تفکیک نمود: (۱) در صورتی که نام دارنده قبلاً به درستی نوشته شده ولی بعداً مخدوش شده باشد، فرض می‌شود که نام متصرف بر روی برات بوده است.

(۲) در صورتی که از ابتدا نام مبهمی قید شده باشد، صدور برات مخدوش است و سند مدنی است.

۲۶- متن زیر به صفحه ۳۰۷ اضافه شود:

پ) تغییر مندرجات برات پس از صدور برات: گاهی صادرکننده پس از صدور برات و پیش از تسلیم و یا حتی پس از تسلیم و قبل از ظهرنویسی برات توسط دارنده، بخشی از مفاد آن را با تراضی دارنده تغییر می‌دهد. مثلاً مبلغ را بیش‌تر یا کم‌تر از مبلغ

^۷ در خصوص این که مبنای مسئولیت امضا کننده مسئولیت قراردادی است یا مسئولیت مدنی ناشی از ایجاد اعتماد، اختلاف است. به نظر می‌رسد مبنای آن مسئولیت مدنی است ولی بر اساس همین مسئولیت مدنی، امضا کننده باید به تمام خسارات و هزینه‌ها و احکام ناشی از سند تجاری (از جمله خسارت تأخیر از زمان سررسید چک) ملتزم باشد.

نوشته شده می‌نماید. برای این امر معمولاً مبلغ قبلی را خط زده و مبلغ جدید را می‌نویسند و پشت سند تجاری را امضا کرده و آن تغییر دادن را گواهی می‌کنند؛ مثلاً این عبارت را می‌نویسند: «مبلغ (جدید) صحیح است». به این امضای پشت سند تجاری، «ظهنویسی اصلاحی» می‌گویند. در چنین مواردی آخرین اراده صادر کننده (که با ظهن نویسی اصلاحی مشخص شده) ملاک عمل خواهد بود.

۲۷- متن زیر به صفحه ۳۴۰ اضافه شود:

« بند سوم: مبلغ خواسته در دعوای مطالبه وجه برات

در دعوای مطالبه وجه برات دارنده می‌تواند مبالغ زیر را مطالبه کند: (۱) اصل مبلغ برات به علاوه (۲) هزینه اعتراض و سایر هزینه‌هایی که قانوناً جهت مطالبه باید انجام می‌داده است مانند هزینه دادرسی و ... و (۳) خسارت تأخیر تأدیه برات از زمان اعتراض عدم تأدیه تا زمان دریافت محکوم‌به.

نکته: خسارت تأخیر تأدیه در برات و سفته از تاریخ اعتراض عدم تأدیه محاسبه می‌شود و در چک از تاریخ سررسید چک.

۲۸- جدول و متن زیر به ص ۳۹۷ اضافه شود:

« جدول: مسئولیت نماینده و صاحب حساب در فرض صدور چک به نمایندگی از دیگری

****	نماینده (صادرکننده چک)	صاحب حساب	مستند
سوء اثر	نسبت به نماینده اعمال می‌شود مگر این که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا نماینده بعدی باشد	اعمال می‌شود	تبصره ۲ ماده ۵ مکرر ق.ص.چ
مسئولیت حقوقی نسبت به پرداخت وجه	مسئول است	مسئول است	ماده ۱۹ ق.ص.چ
مسئولیت کیفری نسبت به صدور چک بلامحل	مسئول است مگر این که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا نماینده بعدی باشد	مسئولیت ندارد	ماده ۱۹ ق.ص.چ. و اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری
اجرای ثبت	مسئول است	مسئول است	ماده ۱۹۰ آ.ا.م.ا.ر.
اجرای دادگستری	مسئول است	مسئول است	ماده ۲۳ ق.ص.چ

نکته ۱- ظهن نویس و ضامن صرفاً نسبت به پرداخت مسئولیت حقوقی دارند و سایر ضمانت اجراها نسبت به ایشان مسئولیت ندارند.

نکته ۲- در صورت صدور چک از حساب مشترک، تمام ضمانت اجراها نسبت به صادرکنندگان متعدد (به نسبت سهم ایشان) اجرا می‌شود به جز مسئولیت کیفری که تنها امضا کننده مسئولیت دارد».

۲۹- جدول زیر به ص ۴۷۲ اضافه شود:

ورشکستگی به تقلب	قبل از انعقاد قرارداد ارفاقی	حکم ورشکستگی به تقلب صادر شده	مانع انعقاد قرارداد ارفاقی است. (ماده ۴۸۳)
	قرارداد ارفاقی	تحت تعقیب و قبل از صدور حکم	امکان تأخیر انداختن در انعقاد قرارداد (ماده ۴۸۳)
	بعد از انعقاد قرارداد ارفاقی	حکم ورشکستگی به تقلب صادر شده	باعث بطلان قرارداد ارفاقی (ماده ۴۹۰)
	قرارداد ارفاقی	تحت تعقیب و قبل از صدور حکم	اخذ تأمین مناسب از تاجر تا زمان صدور حکم (ماده ۴۹۶)
ورشکستگی به تقصیر	قبل از انعقاد قرارداد ارفاقی	حکم ورشکستگی به تقصیر صادر شده	مانع انعقاد قرارداد نیست. (مفهوم ماده ۴۹۰)
	قرارداد ارفاقی	تحت تعقیب و قبل از صدور حکم	امکان تأخیر انداختن در انعقاد قرارداد (ماده ۴۸۴)
	بعد از انعقاد قرارداد ارفاقی	حکم ورشکستگی به تقصیر صادر شده یا تعقیب شروع شده و حکم صادر نشده باشد.	تأثیری در اعتبار و اجرای قرارداد ندارد.

۳۰- متن زیر به ص ۲۵۳ اضافه شود:

« گفتار سوم: تغییرات سرمایه در سایر شرکت‌ها

بند اول: شرکت با مسئولیت محدود

افزایش سرمایه و کاهش سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود مجاز است و برای تصمیم گیری در خصوص آن باید اکثریت عددی شرکا که دارای سه چهارم سرمایه شرکت هستند رای موافق بدهند. البته هیچ یک از مواد قانون تجارت صراحتاً تشریفات و حد نصاب تصمیم گیری در خصوص تغییر سرمایه در این شرکت را بیان نکرده است ولی با توجه به ماده ۱۱۱ ق.ت. که تغییر در اساسنامه را با چنین نصابی مجاز دانسته و از سویی تغییر در سرمایه شرکت، مستلزم تغییر در اساسنامه شرکت است، این نصاب برای تصمیم گیری به دست می‌آید.

نکته ۱- علیرغم حد نصاب فوق باید توجه داشت که افزایش سرمایه نمی‌تواند برای شرکا تعهد ایجاد کند و ایشان را مجبور به شرکت در افزایش سرمایه شرکت نمود؛ مگر این که همه شرکا با اتفاق آرا تصمیم بگیرند. ماده ۱۱۲ ق.ت. در این خصوص مقرر می‌دارد: «در هیچ موردی اکثریت شرکا نمی‌تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کند».

نکته ۲- در صورت افزایش سرمایه، آورده می‌تواند تماماً نقد یا غیر نقد باشد. تسلیم آورده و یا قیمت‌گذاری آورده غیر نقد با توافق شرکا انجام و اظهار می‌شود و نیاز به کارشناسی ندارد. (وحدت مناط از ماده ۹۷ ق.ت.). البته در این مورد نیاز به تراضی همه شرکا نیست و با همان حد نصاب که افزایش سرمایه مصوب می‌شود، آورده نیز تقویم می‌گردد.

نکته ۳- در شرکت با مسئولیت محدود، کاهش اجباری سرمایه پیش بینی نشده است.

بحث: در شرکت با مسئولیت محدود سرمایه شرکت را تا چه میزان می‌توان کاهش داد؟

در خصوص شرکت سهامی دیدیم که کاهش سرمایه اختیاری تا حدی ممکن است که سرمایه شرکت از حداقل سرمایه قانونی (یک میلیون ریال برای شرکت سهامی خاص و پنج میلیون ریال برای شرکت سهامی عام) کمتر نشود. در شرکت با مسئولیت محدود حداقل سرمایه‌ای در قانون پیش بینی نشده است. بنابر این کاهش سرمایه نیز به صورت نامحدود ممکن است.^۸

بند دوم: شرکت‌های تضامنی و نسبی

در احکام شرکت تضامنی و نسبی مقرره‌ای راجع به افزایش یا کاهش سرمایه بیان نگردیده است. با این وصف با توجه به مقررات عمومی، افزایش یا کاهش سرمایه در این شرکت‌ها مجاز است.

برای تغییر در سرمایه این شرکت‌ها باید همه شرکا به اتفاق آرا تصمیم‌گیری کنند مگر این که در اساسنامه یا شرکت‌نامه شرکت تضامنی و نسبی حد نصاب کمتری بیان شده باشد.

در صورت افزایش سرمایه، آورده می‌تواند تماماً نقد یا غیر نقد باشد. تسلیم آورده و یا قیمت‌گذاری آورده غیر نقد با تراضی شرکا انجام و اظهار می‌شود و نیاز به کارشناسی ندارد.

نکته: در شرکت تضامنی کاهش اجباری سرمایه پیش بینی نگردیده است.

بند سوم: شرکت‌های مختلط

قانون تجارت در خصوص تغییر در سرمایه شرکت‌های مختلط سکوت نموده است. با این وصف بنابر اصول کلی افزایش یا کاهش سرمایه در این شرکت‌ها مجاز است. برای تصمیم‌گیری در خصوص افزایش یا کاهش سرمایه باید اکثریت بیش از نصف سهام حاضر در مجمع موافقت نمایند.

بند چهارم شرکت تعاونی

در خصوص تغییرات در سرمایه شرکت تعاونی، احکام پراکنده‌ای در ق.ش.ت و ق.ب.ت. مقرر گردیده است. بر این اساس، نکات زیر قابل برداشت است:

^۸ . هرچند در رویه عملی حداقل سرمایه یک میلیون ریال الزامی است. همچنین اگر کاهش سرمایه به قصد فریبکاری و فرار از دیون باشد، حسب مورد می‌تواند مصداق عمل مجرمانه قرار گیرد.

- ۱- تصویب افزایش یا کاهش سرمایه در صلاحیت مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی است.
 - ۲- افزایش سرمایه فقط به شیوه افزایش تعداد سهام شرکت ممکن است و امکان افزایش مبلغ اسمی هر سهم وجود ندارد. در صورت صدور سهام جدید، سهام صادر شده به اعضای کنونی یا اعضای جدید داده می‌شود. (تبصره ماده ۱۰ ق.ش.ت.).
 - ۳- افزایش سرمایه هم با آورده نقدی و هم تبدیل ذخیره قانونی شرکت به سرمایه جدید ممکن است. تعاونی‌ها می‌توانند تا حداکثر یک دوم ذخیره قانونی را جهت افزایش سرمایه خود به کار ببرند. (ماده ۲۵ ق.ب.ت.).
 - ۴- کاهش سرمایه شرکت تعاونی از طریق کاهش مبلغ هر سهم ممکن است.
- کاهش اجباری سرمایه در شرکت تعاونی پیش بینی نشده است.»

۳۱- به ص ۲۷۱ کتاب این متن اضافه شود:

« گفتار چهارم: شرکت‌های مختلط

بند اول: شرکت مختلط غیرسهامی

الف) موجبات انحلال: مطابق ماده ۱۶۱ ق.ت. اسباب انحلال شرکت مختلط غیرسهامی، تابع احکام شرکت تضامنی است به جز این که مرگ، حجر و ورشکستگی شریک یا شرکا (چه ضامن و چه غیر ضامن) و نیز عدم کفایت دارایی شریک (موضوع ماده ۱۲۹ ق.ت.) موجب انحلال این شرکت نیست. بنابر این اسباب انحلال شرکت مختلط غیرسهامی عبارت است از:

(۱) پایان یافتن مدت شرکت، (۲) ناممکن شدن موضوع شرکت، (۳) ورشکستگی شرکت، (۴) تراضی تمام شرکا، (۵) تقاضای یکی از شرکای ضامن از دادگاه با دلایل موجه و (۶) فسخ توسط یکی از شرکای ضامن.

ب) تصفیه: مطابق ماده ۲۰۳ ق.ت.، تصفیه شرکت‌های مختلط مطابق مواد ۲۰۲ تا ۲۱۲ ق.ت. انجام می‌گیرد که پیش از این در گفتار سوم (شرکت تضامنی و نسبی) بیان شد.

بند دوم: شرکت مختلط سهامی

الف) موجبات انحلال: مطابق ماده ۱۸۱ ق.ت. موجبات انحلال شرکت مختلط سهامی عبارت است از:

(۱) پایان یافتن مدت شرکت، (۲) ناممکن شدن موضوع شرکت، (۳) ورشکستگی شرکت، (۴) تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه چنین حقی برای مجمع پیش بینی شده باشد، (۵) در صورت تصمیم مجمع عمومی شرکت و رضایت دادن شرکای ضامن، (۶) فوت یا حجر هر یک از شرکای ضامن در صورتی که در اساسنامه شرط شده باشد.

ب) تصفیه: مطابق ماده ۲۰۳ ق.ت.، تصفیه شرکت‌های مختلط مطابق مواد ۲۰۲ تا ۲۱۲ ق.ت. انجام می‌گیرد که پیش از این در گفتار سوم (شرکت تضامنی و نسبی) بیان شد.»

۳۲- متن زیر پس از ماده ۷ قانون اجرای سیاستهای اصل ۴۴ در ص ۵۳۷ بیاید:

ماده ۷ مکرر: کلیه مجوزهای کسب و کار که سلامت، محیط زیست، بهداشت عمومی- اجتماعی، نظم و انضباط پولی، مالی و ارزی، فرهنگ و امنیت ملی را به صورت مستقیم تهدید می‌کنند یا مستلزم بهره برداری از منابع طبیعی یا تغییر کاربری اراضی کشاورزی هستند، به تشخیص هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار و تایید هیأت وزیران، در صورتی که تا سه ماه پس از

لازم الاجراء شدن این قانون در درگاه ملی مجوزهای کشور ثبت شوند، به عنوان مجوزهای تایید محور که نیازمند بررسی و تایید مراجع صدور مجوز است معرفی شده و فعالیت در آنها نیازمند طی مراحل اخذ مجوز بر اساس ماده ۷ این قانون می باشد.

از چهارماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون، سایر مجوزهای کسب و کار به عنوان مجوزهای ثبت محور شناخته می شوند و اتمام مراحل ثبت نام در درگاه ملی مجوزهای کشور به منزله صدور مجوز است. متقاضیان این مجوزها باید در زمان ثبت نام در درگاه ملی مجوزها، فرم تعهد به اخذ استانداردهای اجباری و مراعات قوانین و شرایط حرفه ای مورد تایید هیات مقررات زدایی و بهبود محیط کسب و کار را امضاء نمایند. مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب و کار موظف است حداکثر ظرف سه روز کاری پس از تکمیل ثبت نام در درگاه ملی مجوزهای کشور، مجوز به همراه شناسه یکتای مجوز صادره برای شخص حقیقی یا حقوقی متقاضی به شکل برخط را صادر کند و مراتب را به اطلاع نهادهای نظارتی، اتاقهای ایران، تعاون و اصناف، اتحادیه های صنفی، تشکلهای ذی ربط و دستگاههای اجرایی مربوطه از جمله سازمان امور مالیاتی کشور و سازمان تأمین اجتماعی برساند و مجوزهای صادره را به صورت عمومی منتشر کند.

اطلاعات مورد نیاز درگاه ملی مجوزها برای درخواست مجوز با استفاده از سامانه های ملی موجود تکمیل می شود. در صورتی که متقاضی در ثبت اطلاعاتی که سامانه های ملی موجود از آنها پشتیبانی نمی کنند مرتکب خلاف شود، مجوز صادره با تشخیص هیأت مقررات زدایی و بهبود محیط کسب و کار از اعتبار ساقط می گردد و مرتکب، به مدت دو سال از خدمات این درگاه محروم می شود.

مفاد این حکم نافی حق مراجعه اشخاص به مرجع قضائی ذی صلاح نمی باشد.

تبصره ۱- هریک از مراجع صدور مجوز در صورت درخواست افزودن مجوزی به فهرست مجوزهای تأیید محور، موظف است ادله و مستندات خود را به هیأت مقررات زدایی و بهبود محیط کسب و کار ارائه کند. هیأت در صورت موافقت، درخواست افزودن مجوز جدید را جهت تصویب به هیأت وزیران ارسال می کند.

تبصره ۲- کلیه مجوزهای کسب و کارهای تأیید محور که شرایط اخذ مجوزشان پس از اتمام مهلت مندرج در صدر این ماده و تایید هیات وزیران توسط مرجع صادرکننده مجوز در درگاه ملی مجوزهای کشور بارگذاری نشود با تشخیص هیات مقررات زدایی و بهبود محیط کسب و کار به مجوز ثبت محور تغییر پیدا می کنند. سازمان بازرسی کل کشور و هیات مقررات زدایی و بهبود محیط کسب و کار موظفند رئیس و یا مدیران، مسئولان و اشخاصی که قصورشان در این خصوص محرز است را حسب مورد به شورای رقابت یا هیات تخلفات اداری معرفی کنند.

در طول زمان بهره برداری از مجوزهای ثبت محور پس از اعتراض اشخاص حقیقی یا حقوقی، اتحادیه های صنفی، تشکلهای یا دستگاههای اجرایی ذی ربط با ارائه دلایل توجیهی به هیأت مقررات زدایی و بهبود محیط کسب و کار و تشخیص هیات و تایید هیأت وزیران، امکان تغییر مجوز موضوع این تبصره به تأیید محور وجود دارد.

تبصره ۳- چنانچه هر یک از مراجع صدور مجوز در موعد مقرر در درگاه ملی مجوزهای کشور، پاسخ درخواست کننده مجوز را اعم از قبول یا رد اعلام نکند، به منزله موافقت در نظر گرفته شده و مجوز مورد نظر از طریق درگاه ملی مجوزهای کشور به طور

خودکار صادر شده و در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد. تمامی مسئولیت‌های حقوقی و صنفی که در رابطه با مجوزهای صادره، بر عهده مرجع صادرکننده است، در خصوص مجوزهای صادره شده در این فرآیند نیز پابرجاست. مرجع صدور مجوز در صورت رد درخواست، موظف است دلایل و مستندات تصمیم خود را به صورت مکتوب به اطلاع متقاضی برساند.

تبصره ۴- وضع هرگونه محدودیت و مانع در مسیر صدور مجوز، که خارج از چارچوب این قانون باشد به دلایلی از قبیل اشباع بازار، محدودیت ظرفیت و حدود صنفی یا بر اساس تعداد و یا فاصله جغرافیایی دارندگان و یا متقاضیان آن مجوز، ممنوع است. در صورت محدودیت منابع طبیعی یا محیط زیستی، وضع محدودیت جدید به تشخیص نهادهای ذی ربط، منوط به تایید هیات مقررات زدایی و بهبود محیط کسب و کار و با تصوب هیأت وزیران مجاز است و تا قبل از تصویب هیأت وزیران محدودیت جدید نافذ نخواهد بود.

تبصره ۵- انتقال مجوزهای ناظر به صلاحیت‌های حرفه‌ای موکول به داشتن همان سطح صلاحیت و طی فرایند معمول اخذ مجوز همچون قبولی در آزمون مربوط بوده و با تأیید مرجع صادرکننده مجوز امکان پذیر است و انتقال مجوزها تنها پس از گذشت دوسال از صدور مجوز و منوط به شروع فعالیت مجاز است و در صورتی که هر مجوز به مدت دوسال غیرفعال باقی بماند، مرجع صادرکننده مجوز مکلف است پس از اخطار و اعطای مهلت یک‌ماهه به صاحب مجوز برای فعال‌سازی، به اعتبار مجوز صادره خاتمه دهد.

تبصره ۶- در مواجهه با استعلام ماموران دولتی، نظامی، انتظامی و ضابطین قضایی، ارائه شناسه یکتای مجوز صادره از سوی دارنده مجوز کفایت می‌کند. در صورت مثبت بودن استعلام، درخواست مدارک اضافی برای مجوز کسب‌وکار، جرم محسوب و مرتکب به یکی از مجازات‌های تعزیری درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱۰ محکوم می‌شود.

تبصره ۷- از شش‌ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون هرگونه استعلام، تمدید یا ابطال مجوز، تنها از طریق شناسه یکتای مجوز صادره صادر شده از طریق درگاه ملی مجوزهای کشور قابل انجام است. امکان استعلام شناسه یکتای صادره برای دارندگان مجوزها در درگاه ملی مجوزهای کشور باید برای عموم مردم فراهم باشد. مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب و کار موظف است برای مجوزهای کسب و کار اخذ شده قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون با درخواست کتبی یا الکترونیکی دارنده مجوز، ظرف یک‌ماه از زمان درخواست، شناسه یکتا صادر کند. کسب‌وکارهایی که از دو سال پس از لازم‌الاجرا شدن این تبصره، شناسه یکتا نداشته باشند، به لحاظ قانونی فاقد مجوز محسوب می‌شوند.^۹

^۹. ماده ۷ مکرر به موجب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ و ابلاغی ۱۴۰۱/۲/۶ به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اضافه شده است.